

صبح ایران

خارجیسیاست

دیپلماسی رسانه‌ای در راه یمن

به بهانه اقدام خلاقانه برنامه شبکه سه برای حضور در یمن، از چند محور آن را مورد بررسی قرار دادیم

صفحه ۶

ملاقات شکسپیر و کامو در قشای

مهرداد مصطفوی، کارگردان می‌گوید نوآوری در اجرای این نمایش تماشاگران را به تفکر وامی‌دارد



۱۱۱

چین؛ قطب جدید پویانمایی

صنعت انیمیشن چین با داستان‌های جذاب و شخصیت‌های ماندگار به موفقیت‌های بی‌سابقه‌ای دست یافته است



۱۰۱

«ذهن زیبا»

راهگشای معرفی نخبگان

رئیس رسانه ملی در مراسمی از دکتر بهاروند و دست‌اندرکاران این مجموعه تقدیر کرد



۸۱

یادداشت

دکتر محمد جعفر محمدزاده | پژوهشگر تاریخ زبان و فرهنگ ایران

«ایران»؛ از اسطوره تا تاریخ

«ایران» را باید از نظرگاه‌های مختلف بشناسیم و پی‌درپی و در هر فرصتی «ایران‌پژوهی» کنیم تا بیشتر دوستش بداریم و کسانی قریب تبلیغات دشمنان ایران را نخورند و بدانند که ایران نه کشوری «نوینپاده» است و نه «برساخته»، بلکه ایران و نام ایران عمری به درازای تاریخ دارد. ابوالفضل بیهقی (زاده ۳۸۵ قمری) در تاریخ معتبر و مشهور خود که هم از لحاظ تاریخی و هم از نظر ادبی ارزش فراوان دارد، به تفصیل و با جزئیات تاریخ دوره غزنویان را نوشته است. امروزه از ۳۰ مجلد نوشته‌شده به وسیله او، پنج مجلد باقی مانده که بیشتر آنها مربوط به وقایع دوره سلطان مسعود است و به همین دلیل گاهی از آن با عنوان «تاریخ مسعودی» یاد شده است. بیهقی در دربار غزنویان بوده و غزنویان که مشروعیت خلافت خود را از خلیفه بغداد می‌گرفتند، احتمالاً التفات چندانی به «هویت ملی ایران» نداشته‌اند؛ با این حال، بیهقی گذشته از کنایه و اشاره و ترکیب نام ایران به نقل از دو قصیده از ابوحنیفه اسکافی (زاده حدود ۴۵۰ قمری) از «ایران» به معنی «کشور ایران» نام برده است. در قصیده سوم از مجموعه اشعار اسکافی چنین می‌خوانیم: «زلف تو کیست که او بیم کند چشم تو را / یا کی‌ای تو که کنی بیم کسی را تعلیم؟ / این دلیری و جسارت نکنی بار دگر / گر شنیدستی نام ملک هفت اقلیم / خسرو ایران، میر عرب و شاه عجم / قصه موجز به، سلطان جهان ابراهیم». اسکافی در قصیده چهارم نیز که به درخواست ابوالفضل بیهقی، سلطان محمود را که در آن زمان در قید حیات نبود، مدح کرده و او را خسرو کشور ایران خطاب کرده است: «می‌نخورد لاله برگ و ایر نخندد / تا ندھی هر دو را تو زین پس فرمان / خسرو «ایران» تویی و بودی و باشی / گرچه فرودست غره گشت به عصیان»، دیگر شاعر ایرانی که در شعر خود از ایران نام برده، اسماعیل ارزقی هروی درگذشته به سال ۴۶۵ قمری است؛ او زاده شهر هرات است و اشعاری از او به جای مانده و نظم کتاب «سندبادنامه» را به او نسبت داده‌اند. وی در اشعارش چهار بار از ایران نام برده، یک بار در قصیده ۵۱ دیوانش که ممدوح خود را چنین ستایش کرده است: «نوگ زوبین خسته اندر نافه آهوی مشک / زهر پیکان رانده اندر زهره شیر زاین» / هر که او نخچیرگاه خسرو ایران بدید / از شگفتی‌های عالم نیست طبعش از بیان» و بار دیگر در قصیده ۶۴ سه بار نام ایران را تکرار کرده است: «چون قدح گیری در ایوان، زیور هر مجلسی / چون زره‌پوشی به میدان، زینت هر لشکری / خوبی از ایوان شاهنشاه «ایران» بگذرد / چون تو در ایوان شاهنشاه «ایران» بگذری / بوالفوارس خسرو ایران طافنش، آن‌که زوست / از عدو ایام خالی و از فتن ملکت بری». «اسدی توسی»، شاعر، نویسنده و پژوهشگر (درگذشته به سال ۴۶۵ قمری) و سراینده مثنوی حماسی «گرشاسب‌نامه» است که به پیروی از «شاهنامه فردوسی» سروده است. افزون بر آن، کتابی پژوهشی با نام «الابنية عن حقائق الادویه» در علم پزشکی و نیز فرهنگ «لغت فرس» از اوست که از نخستین فرهنگ‌های لغت زبان فارسی به شمار می‌رود. او در مثنوی گرشاسب‌نامه بیش از ۵۰ بار نام ایران را آورده است. نگاه اسدی توسی به تاریخ ایران و عشق و علاقه‌اش به ایران، مانند حکیم ابوالقاسم فردوسی بیرون از اندازه و شمار است. او در آغاز داستان علاقه خود را به تاریخ اساطیری ایران با تصریح می‌گوید: «به روم و به هندوستان و به چین / به ایران و هر هفت کشور زمین / که با رأی ما هر که دل کرد راست / بجویند جمشید را تا کجاست» و در ادامه پهلوان داستان خود را چنین معرفی می‌کند: «جوانی به آیین ایرانیان / گشاده‌کش و تنگ بسته میان». اسدی در «جنگ اول گرشاسب با بهو» چندین بار نام ایران را در ضمن داستان آورده است: «دلبران ایران برون تاخند / جدا هر یکی جنگ برخاستند / از ایرانیان کس نشد چیر دست / که بر ما ز پیلان ما بُد شکست / به ایرانیان هر که بودند نیز / بسی داد دینار و دیبا و چیز» و در جنگ دوم گرشاسب نیز نبرد ایرانیان را چنین توصیف می‌کند: «همی گفت در کوشش و دار و نرد / جز ایرانیان را نزیید نبرد»...

زاویه دید

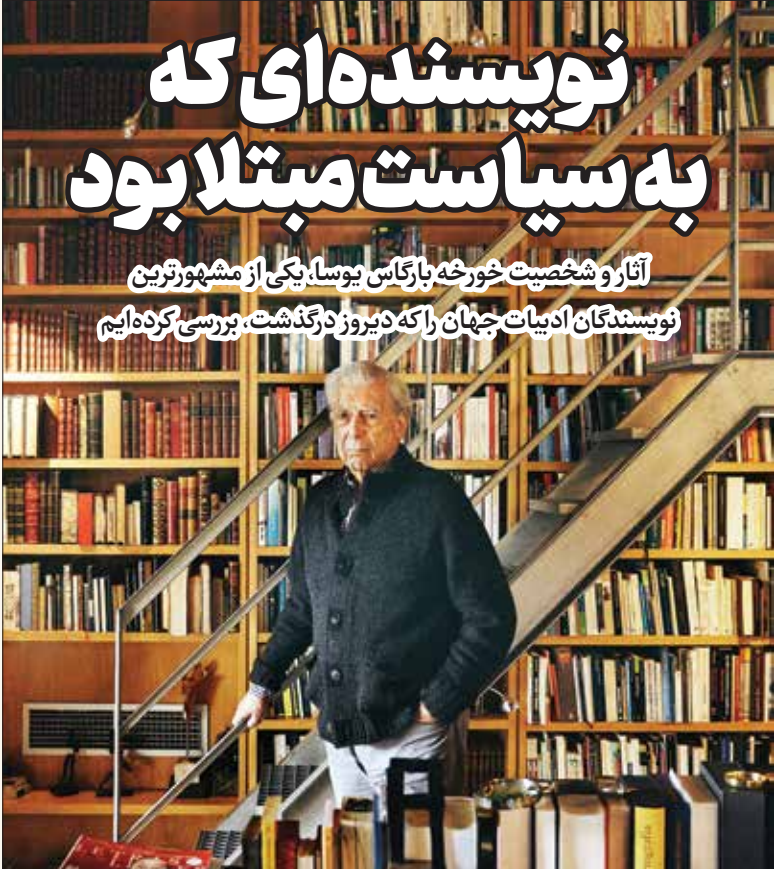
اگر کسی بخواهد نام نویسندگان بزرگ آمریکای لاتین را در یک قرن اخیر یاد کند، در کنار گابریل گارسیا مارکز، خورخه لوئیس بورخس، کارلوس فونتنس، میگل آنخل استوریاس، ایزابل آلمده، پابلو نرودا و ... باید حتماً نام «خورخه ماریو پدرو بارگاس یوسا» را هم در این فهرست قرار دهد؛ نویسنده مهمی که دیروز خبر درگذشت وی اعلام شد. پسر او، آلوارو بارگاس یوسا، در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد که او در کنار خانواده‌اش و در آرامش چشم از جهان فروبست.



آرش شفاعی گروه فرهنگ و هنر

گرایش از راست به چپ

یوسا در سال ۱۹۲۸ در پرو به دنیا آمد و تحصیلاتش را تا دریافت مدرک دکترای ادبیات اسپانیایی از دانشگاه مادرید ادامه داد. چندسالی در پاریس زندگی کرد و خبرنگار خبرگزاری فرانسه بود. پس از آن نیز سال‌ها در لندن زندگی کرد. از ۲۰ سالگی شروع به نوشتن داستان کرد و نخستین آثارش در نشریات ادبی کشورش منتشر شد. در این سال‌ها او طرفدار چپ‌گرایان آمریکای لاتین بود و به‌خصوص شیفتگی خاصی به شخصیت فیدل کاسترو، رهبر کوبا داشت. نخستین رمانش «دوران قهرمان» در اوایل دهه ۶۰ میلادی منتشر شد. او از همان آغاز به نوشتن داستان‌های سیاسی و روایت آمریکای لاتین در قرن بیستم که بیشتر شد و روایتش با کاسترو دگرگون گشت. همین مسأله باعث شد که میان او و گروهی از نویسندگان آمریکای لاتین که هنوز به دولت کوبا علاقه‌مند بودند، شکاف بیفتد. داستان تاریخی دعوی قلمی و مصاحبه‌های یوسا و مارکز علیه هم از همین مسأله ناشی شد. یوسا چند نقد جدی بر آثار مارکز نوشت و در جریان نمایشگاه کتاب بوگوتا در سال ۲۰۰۳ دوستاندار مارکز به خاطر همین اختلاف نظر به شدت به یوسا تاختند و او را از نمایشگاه بیرون



نویسنده‌ای که به سیاست مبتلا بود

آثار و شخصیت خورخه بارگاس یوسا، یکی از مشهورترین

نویسندگان ادبیات جهان را که دیروز درگذشت، بررسی کرده‌ایم

چپ‌گرایان که پایگاه محکمی در آمریکای لاتین داشتند کرد اما همچنین در سال ۲۰۲۲، در انتخابات برزیل از بولسونارو، رهبر راست‌گرای افراطی، در برابر داسیلوا حمایت نمود. یوسا با وجود این‌که اغلب فعالیت‌های سیاسی و حزبی را کنار گذاشته بود، همیشه نویسنده‌ای سیاسی به شمار می‌رفت.

همه رمان‌هایش رگه‌های جدی سیاسی داشت و به تشریح وضعیت آمریکای لاتین و علیه دیکتاتورهای این منطقه بود. البته دیگر نویسندگان بزرگ این منطقه هم خواه‌ناخواه در آثارشان به وضعیت سیاسی منطقه پرداخته‌اند؛ از «باییز پدرسالار» مارکز گرفته تا «آقای رئیس‌جمهور» استوریاس به مسأله دیکتاتورهای خون‌ریز و سرکوبگر آمریکای لاتین می‌پردازند اما این سیاسی‌نویسی چنان در رگ و پی آثار یوسا تنیده بود که او را می‌توان سیاسی‌نویس‌ترین نویسنده این منطقه از جهان نامید. خودش در گفت‌وگویی با گاردین گفته بود: «از تجربه‌های سیاسی‌ام آموختم که من یک نویسنده‌ام، نه سیاستمدار. بخشی از دلیل این‌که

چنین زندگی‌ای داشته‌ام، این است که می‌خواستم زندگی‌ای ماجراجویانه داشته باشم اما بهترین ماجراجویی‌های من، بیشتر ادبی بوده تا سیاسی.»

مشهورترین آثار

در میان آثار یوسا، سه رمان شهرتی بیش از بقیه دارد: «گفت‌وگو در کاندال» که داستان آن در پرو می‌گذرد، «سور بز» که به دگربری‌های سیاسی در دومینیک می‌پردازد و «جنگ آخرالزمان» که داستانش درباره شورش در برزیل است. این سه کتاب را عبدالله کوثری به فارسی ترجمه کرده است. در کنار این سه کتاب، باید از رمان‌های دیگری از یوسا هم نام برد که هر کدام دارای ارزش ادبی ویژه است. «چه کسی پالومینو مولرو را کشت؟» که در ایران با ترجمه احمد گلشیری منتشر شده است و «مرگ در آند» که این رمان هم با ترجمه عبدالله کوثری منتشر شده، جزو آثار مهم و مشهور این نویسنده مهم است. آخرین کتابی که از یوسا منتشر شد، «سکوت» را به شما تقدیم می‌کنم» نام داشت، رمانی که در سال ۲۰۲۳ منتشر شد و با این کتاب، یوسا بازنشستگی خود را از نویسندگی اعلام کرد و دیگر اثری از او منتشر نشد.

قدرت ادامه دادن ندارم

یوسا را احتمالاً باید آخرین برگزیده آکادمی نوبل دانست که کسی در شایستگی او برای دریافت جایزه نوبل شکی نداشت. نام او بیش از دو دهه به عنوان نامزد دریافت جایزه ادبی نوبل مطرح بود تا این‌که در سال ۲۰۱۰ این عنوان را از آن خود کرد. بنیاد نوبل دلیل اعطای جایزه به یوسا را برای «نمایش ساختار قدرت و تصویرهای بُرنده از مقاومت‌ها، شورش‌ها و شکست‌های فردی» عنوان کرد. بعد از او کمتر نویسنده‌ای در سطح او برنده نوبل شد، شاید در این میان آلیس مونرو (در سال ۲۰۱۳) و پیتر هانتکه (در سال ۲۰۱۹) را بتوان استثنا کرد. یوسا بعد از برگزیده شدن به عنوان برنده نوبل، کم‌کار شد و بیشتر درگیر بیماری بود تا این‌که سرانجام دیروز درگذشت. خودش زمانی که رمان آخرش را در سال ۲۰۲۳ منتشر کرد، نوشته بود: «گرچه خوشبین هستم اما فکر نمی‌کنم آن قدر زنده بمانم که بتوانم روی رمان جدیدی کار کنم، به‌ویژه چون نوشتن یک رمان برایم سه یا چهار سال طول می‌کشد اما هرگز از کار دست نمی‌کشم و امیدوارم که قدرت ادامه دادن تا پایان را داشته باشم.»